

متن پرسش

سلام بر استاد ارجمند و گرامی: استاد نتیجه این انتخابات بنده را نیز مثل خیلی از افراد متعلق به جبهه انقلاب عمیقاً در فکر و بهت فرو برده و اینکه آیا جبهه انقلاب در مورد این سبک برگزاری انتخابات و این نوع مناظره ها نباید یک نوع بازنگری اساسی به عمل آورد. آیا کشوری که مدعی احیاگر تمدن نوین اسلامی ست نباید به جای کپی برداری این نوع انتخابات و مناظره ها از غرب به فکر ساز و کاری باشد که با روح اسلام همخوانی داشته باشد؟ آیا از جامعه‌ای که هنوز به بلوغ معنوی و فکری خود نرسیده و در آن جامعه به اندازه کافی تبیین صورت نگرفته است می‌توان انتظار داشت که اکثریت مردم آن با بصیرت تصمیم بگیرند؟ آیا برگزاری مناظره هایی به سبک رایج در آمریکا فقط به صرف بالا بردن میزان مشارکت واقعا به نفع مردم و کشور تمام می‌شود؟ آیا نباید بپذیریم که در این نوع مناظره ها این ترامپ ها هستند که برنده می‌دانند و موفق به جلب اکثریت آراء مردم می‌شوند؟ آیا در مناظراتی به این سبک اینطور نیست که هر کاندیدایی بتواند بیشتر روی احساسات مردم تأثیر بگذارد و طرف مقابل را تخریب و تمسخر کند موفق به جلب آراء اکثریت مردم می‌شود و هر کاندیدایی که تقوای بیشتری داشته باشد و تواضع و فروتنی و خویشن داری به خرج دهد در عمل بازنده میدان خواهد بود؟ آیا اصلاً این نوع مناظرات اسلامی ست؟ به یاد دارم که می‌گفتید مناظره به خودی خود بد نیست و در سیره اهل بیت هم مناظره به قصد آشکار شدن حقیقت به کار میرفته، ولی آیا این نوع مناظرات انتخاباتی در عمل به آشکار شدن حقیقت کمک می‌کند یا اینکه به قصد جلب رأی اکثریت مردم عوام و یا بالا بردن میزان مشارکت بوسیله دوقطبی سازیها؟ آیا نباید بپذیریم که متأسفانه تصمیمات اغلب مردم از روی احساسات است تا بصیرت و تفکر و در چنین انتخابات و مناظراتی هر کسی که بتواند ترامپ وار عمل کند و روی احساسات مردم و روی نارضایتی مردم سوار بشود موفق به جلب آراء اکثریت مردم می‌شود؟ آیا نباید بپذیریم در جامعه‌ای که بسیاری از مردم بخاطر تشدید مشکلات معیشتی و فاصله طبقاتی در سالهای اخیر از وضع موجود ناراضی هستند و با صندوق رأی قهر کرده اند، تأیید صلاحیت کاندیدایی از طرف شورای نگهبان که به جای پرداختن به مسائل اصلی کشور و ارائه راه حل، فقط به منظور جلب آراء و عوام فریبی مسائل کاذبی چون حجاب و محدودیت های قومیتی را مطرح می‌کند به ضرر کشور و منافع ملی ما تمام می‌شود و دوباره به چهار یا هشت سال خون دل خوردن جبهه انقلاب و هدر رفتن نیروهای انقلابی برای مقابله با برجام ها و عوام فریبی های غریبگرایان داخلی می‌انجامد؟ آیا واقعا آنچه رخ داد برای شورای نگهبان قابل پیش بینی نبود؟ آیا تکرار این پدیده ها به ما که در جبهه انقلابیم هشدار نمی‌دهد که در خواب غفلتیم و

باید چاره ای و ساز و کاری برای انتخابات بیاندیشیم که برازنده تمدن نوین اسلامی باشد؟ با تشکر از لطف جنابعالی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که می‌دانید بحث در این مورد بسیار است و بخواهیم و یا نخواهیم جریان اصلاحات از طریق ضایع کردن رقیب خود حتی به قیمت سیاه‌نمایی‌هایی که اصل نظام را هدف قرار می‌دهد؛ پیروزِ صحنه می‌گردند. دیروز با اتهام دیوارکشدن در پیاده‌رو و امروز با اتهام چماق‌به‌دست خشک مغز و طالبانی نشان‌دادنِ جبهه مقابل. که مسلّم شأن آیت الله رئیسی و آقای دکتر جلیلی چنین نیست که با آن نوع ادبیات، به مقابله برخیزند. و راهکار ما همان سلوک و سیره‌ای است که منجر شد آقای دکتر جلیلی حدود ۱۴ میلیون رأی بیاورند. باید در نشان‌دادنِ هرچه اخلاقی‌تر بودن و هرچه دلسوزِ مردم‌بودن، مسیر انتخابات را متعالی کرد. موفق باشید